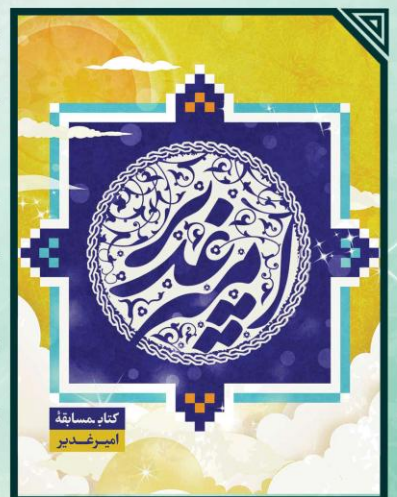




به مناسبت دهه ولایت

به همراه اهدای جوایز به نفرات برتر
آخرین مهلت شرکت در مسابقه ۶ تیر ماه ۱۴۰۴
 جهت دریافت سوالات و فایل pdf کتاب و پیگیری نتایج مسابقه به
 کانال زیر مراجعه نمایید. شرکت کنندگان فقط عدد پاسخ صحیح
 سوالات را در قالب یک عدد ۶ رقمی از چپ
 به راست بصورت لاتین بدون هیچ کلمه اضافه به سامانه پیامکی



 @bm_nkhsh

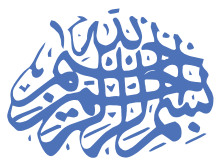
۱۲۰۰۰۰۰۱ ارسال نمایند

 @bm_nkh

 تلفن ۰۵۸-۴۲۲۲۱۲۹۴

کتاب امیر غدیر





اینکه از **شیعه** فقط نام بدانیم بد است
مانمک گیر چنین لقمه بمانیم بد است
شیعه یعنی کفن **سرخ** بلا پوشیدن
شیعه یعنی می عشقی ز خدا نوشیدن



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت

فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

مؤلف: رضا اخوی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی مجتمع

فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی.

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۷

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir



فهرست

۴	پیش‌گفتار.....
۶	مقدمه.....
۷	فصل اول: لحظه‌هایی با غدیر.....
۱۰	فصل دوم: ورق‌های فضیلت.....
۲۳	فصل سوم: آموزه‌هایی از خطبه غدیر.....
۶۱	پی‌نوشت‌ها.....
۶۸	مسابقه امیر غدیر.....

پیشگفتار

پیامبر خدا ﷺ با در نظر گرفتن آینده دین الهی، که تا آخرین روز دنیا ادامه دارد و با توجه به دامنه وسیع مسلمین در مقیاس جهانی، جانشینان خود (دوازده امام معصوم) را تا روز قیامت در یک خطابه رسمی به جهانیان معرفی کردند.

اگرچه اکثریت اجتماع آن روز مسلمین، کلام پیامبر دلسوز خود را کنار گذاشتند و خلافِ بلافصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را قبول نکردند، بسیاری از افراد نسل‌های بعد مسلمانان، وصی واقعی پیامبرشان را شناختند. این سیر صعودی معرفت امت، تحقق تدریجی اهداف و آرمان‌های «غدير» است.

اگر گروه‌هایی از مسلمین در طول زمان هم چنان در مقابل جانشینان حقیقی پیامبرشان سر تعظیم فرود نیاورده و نمی‌آورند، جمعی عظیم از مخلصان و برجستگان امت اسلامی در طول تاریخ فقط علی بن ابی طالب (علیه السلام) و یازده فرزند او را جانشینان پیامبر (علیه السلام) می‌دانند. این همان نور «غدير» و هویت و حیاتی آن است که پس از پانزده قرن، جمعیتِ رو به گسترشِ محبان اهل بیت را در طول تاریخ و در پهنه جهان پدید آورده و نور ولایت را هم چنان در ادوار تاریخ و اقصای نقاط جهان درخشنده و تابناک حفظ می‌کند.



«جشن ولایت علوی، اکمال دین نبوی» یکی از ویژه‌برنامه‌های باارزش سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد که در هفت سال گذشته، در آستان مقدس امامزادگان و بقاع متبرکه سراسر کشور برگزار و اینک به مطالبه جدی زائران و مجاوران آن اماکن مقدسه تبدیل شده است.

محور این طرح ارزشمند، تبلیغ و ترویج فرهنگ نجات‌بخش غدیر؛ یعنی رکن بی‌بدیل «امامت و ولایت» می‌باشد که یگانه راه وصول به رضوان الهی، کامل‌کننده دین و تمام‌کننده نعمت است.

در همین راستا، همه ساله معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه با تألیف، چاپ و توزیع کتاب پیرامون زوایای مختلف این واقعه، به تبیین معارف غدیر از جمله خطبه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد و پس از انتشار کتب «خطبه غدیر»، «خلعت غدیر»، «برکرانه غدیر»، «آخرین پیام از آخرین پیامبر»، «ایوان نجف»، «عهد ماندگار»، «حوالی‌ظهر» و «در امتداد غدیر» در سال‌های گذشته، در سال جاری اقدام به تهیه و توزیع گسترده کتاب «امیر غدیر» نموده است.

امید است این قدم ناچیز از خادمان آستان مقدس ولایت و امامت، مورد رضایت حضرت احدیت جلّ جلاله قرار گیرد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

مقدمه

شیعه، آیین عقلانیت، تفکر، عبرت آموزی، عشق و معرفت است؛ معرفتی که او را به سعادت رهنمون شده، از لغزش‌ها و گناهانی که باعث سقوط و هلاکت می‌گردد، مصونیت می‌بخشد. در آیه‌های ۶ و ۷ سوره حمد می‌خوانیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛ خدایا! به راه راست ما را راهبر باش، راه آنهایی که بر خوردارشان کردی، همانان که نه در خور خشم‌اند و نه گم‌گشتگان.»

رسول خدا ﷺ در تفسیر «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمودند: «یعنی (در نماز، به خدا عرض می‌کنیم) خدایا! ما را به آن دینی که جبرئیل علیه السلام بر محمد ﷺ نازل کرده، راهنمایی کن.»^۱

پرسش آن است که دین خدا چیست و خاتم رسولان به کدام دین و مذهب سفارش می‌فرمود؟ آن حضرت پاسخ این پرسش را در تفسیر «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، چنین ترسیم فرمودند: «شِيعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يَضِلُّوا؛ شیعه علی علیه السلام کسانی هستند که به برکت ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بر آنان نعمت داده‌ای، برایشان غضب نکرده‌ای و گمراه نشده‌اند.»^۲

به راستی چه نعمتی بهتر و زیباتر از نعمت ولایت مولای خوبان که زندگی را سرشار مهر و آرامش نموده، مسیر خوب زیستن را می‌آموزد. به امید آنکه از این نعمت الهی، برترین بهره‌ها را ببریم و در دنیا و آخرت سرافراز گردیم.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ





لحظه اول

غدیر، نام اقیانوس بیکرانی است که افق در افق، با آسمان نسبت دارد و موج در موج، هم‌آغوش عرش است.

غدیر، حاصل یکصد و بیست و چهار هزار چشمه زلال رسالت است که عرفان و معرفت را فراراه انسان قرار داده است.

پس اگر هنوز ذوق تماشايت هست بيا به کرانه غدیر بایست تا پنجره‌هایی از عرش در برابرت گشوده شود و تو را به تماشای لوح و قلم ببرد.

لحظه دوم

ظاهر بود؛ گرم و تن‌سوز؛ خاک‌ها، از شلاق شعله‌های خورشید، زخمی.

ظاهر بود که صدای صاعقه زمان، حادثه‌ای را رقم می‌زد.

صدا، پروانه‌ای می‌شد که روی هزاران شانه خسته و خاک گرفته می‌نشست.

دوردست، صدایی، سکوت صدا را می‌آشوبد. به گمانم صدای زنگ کاروان است که در همه‌ه وحشت‌افزای تنهایی برکه می‌پیچد.

ای کاش آبی داشتم تا عطش و خستگی راه را با خنکای وجودم فرو می‌نشاند!

غدیر، خسته و تنها، سر در گریبان فرو برده و رؤیاهایش را آه می‌کشد.

کاروان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. ناگاه، صدایی، در سکوت کاروان پیچید. صدایی، حجاز را به لرزه افکند...



لحظه سوم

رفتگان برگردند و نیامدگان شتاب کنند! که پیامی مهم دارم.
در این نقطه تاریخ و در آبگیر آرزوی رسول الله ﷺ، آینده اسلام رقم می خورد.
این آبگیر خشک، مادر دریاهاست و استسقای عشق را چاره ای جز غدیر نیست.
اینجا بایستید و آه بکشید و بخندید و پای بکوبید و گریه کنید؛ زندگی، فاصله گریه و خنده است و اینجا خنده ها و گریه های تاریخ رقم می خورد.
بشتابید! زود، دیر می شود، اگر نفروشید دل را و نخرید ولای علی را، دچار سقیفه می شوید.
بشتابید! دروازه بهشت اینجا باز می شود. بشتابید تا غدیر تمام نشده.

لحظه چهارم

سکوت، به زمزمه نشست. زمزمه ها بلند و بلندتر و موجی از همه هم در کاروان افتاد.
ناگهان، دست های خورشید، در دست های وحی گره خورد.
دست های وحی، بالا می رفت و دست های خورشید را بالاتر می برد؛
دستان ولی خدا در دست رسول الله ﷺ، بالا رفت،
صدا در گوش ها به نجوا درآمد...
«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ هر کس من مولا و سرورش هستم، پس از من علی ابن ابی طالب مولا و سرور اوست».

... و این چنین خدا، ولایت علی علیه السلام را به انسان هدیه کرد و حصار محکم خود را به بشر ارزانی داشت. چشمه حیات جاری شد، تا بنی آدم عطش بی حد و حصر خود را فرو بنشانند به

زلالی محبت مولا.

... و حُبّ علی، سرآغاز همه خوبی‌ها گشت. راه راست نمایان و دین خدا تکمیل شد.

لحظه پنجم

صدا در عرش، به طنین مبارک باد مبدل شد و بر خاک نازل گردید. در کنار برکه غدیر، مردم موج برمی داشتند تا دست علی را بفشارند به نشانه بیعت؛ و چشمه چشمه، چشم‌ها به اشک می نشستند از اشتیاق.

عطر دل انگیز وحدت، در هوا پراکنده شده و دست‌ها یکی یکی دست علی را می فشردند؛ دستی را که پیامبر بارها و بارها فشرده است.

صورت علی غرق بوسه می شود؛ صورتی را که رسول الله ﷺ بسیار در آن با تبسم به نظاره نشسته است؛ سیمایی که نظاره کردنش عبادت است.

از هر سو صدای هلهله می آید؛ اما...

... اما حزنی غریب، گلوی لحظات را می فشرد،

غدیر، شاد و غمگین است؛

شادباش‌های آمیخته با کینه فرود آمدند،

سیل تبریک‌های پیایی که بوی نفرت می داد

عقده‌ها سر باز کرده و زخم‌هایی که متولد شد...^۳





این دو آیه را بخوان!

در یکی از سفرها معاویه وارد مدینه شد؛ ولی کسی به استقبال او نرفت. وقتی «قیس بن سعد بن عباده» را دید، با او از عدم استقبال مردم مدینه شکایت کرد. قیس پاسخ دندان شکنی داد و کارهای زشت او را بیان نمود و عامل عدم استقبال را، کارهای خود معاویه معرفی کرد. معاویه دنبال «ابن عباس» - پسر عموی امام علی علیه السلام - فرستاد و در کمال عصبانیت به او گفت: شنیده‌ام تو دست از ذکر فضایل علی بر نمی‌داری؟ بترس از اینکه گرفتار عقوبت سخت من شوی، به گونه‌ای که از آن رهایی نداشته باشی.

ابن عباس گفت: تمام اهل مدینه می‌دانند من غیر از تفسیر قرآن که برای آنان می‌گویم، کاری ندارم؛ ولی چون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ کسی که قرآن را [بر خلاف حقیقت خودش و] طبق رأی خود تفسیر کند، جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود» لذا هرگز قرآن را بر خلاف واقع تفسیر نمی‌کنم؛ و تو ای معاویه! می‌گویی که من تفسیر قرآن بگویم، آیا درست تفسیر کنم و یا برخلاف واقع و حقیقت بگویم؟ معاویه گفت: تفسیر بگو و خلاف حقیقت و دروغ معنی نکن؛ ولی حق نداری دم از فضیلت علی علیه السلام [بزنی. ابن عباس گفت: چگونه ممکن است انسان قرآن را تفسیر کند؛ اما از علی علیه السلام] تعریف و تمجید نکند، [چون آیات متعددی از قرآن درباره اوست و او قرآن ناطق است]. معاویه گفت: این سخن معنا ندارد. قرآن این همه آیه دارد، شما دو آیه را که مربوط به علی بن ابی طالب است بخوان! بقیه آیات را بخوان و تفسیر کن!

ابن عباس گفت: اگر برای مردم خواندم: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي



وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ مگر این آیه درباره علی ابن ابی طالب [علیه السلام] نیست (که در روز غدیر نازل شد)؟ گفت: چرا، درباره علی است؛ ولی تو این آیه را نخوان و تفسیر نکن».^۴

گفت: اگر برای مردم خواندم: «الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاحْشَوْنَ»،^۵ مگر این آیه در شأن علی بن ابی طالب [علیه السلام] نیست؟ (که باز هم در غدیر خم نازل شد) و اگر من آیه را این گونه تفسیر کنم درست تفسیر نموده‌ام و گرنه خلاف واقع تفسیر نکرده‌ام؟

معاویه گفت: بله، این آیه هم درباره علی بن ابی طالب [علیه السلام] است؛ ولی شما این آیه را نخوان و تفسیر نکن. آیه دیگری بخوان!

ابن عباس گفت: اگر برای مردم خواندم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۶ آیا این آیه درباره علی [علیه السلام] (و شیعیان) او نیست؟ و اگر من اینگونه تفسیر کنم، صحیح است؛ و گرنه خلاف واقع است. معاویه گفت: چرا، این آیه نیز درباره علی [علیه السلام] است؛ ولی تو این آیه را هم نخوان. آیه دیگری بخوان و تفسیر کن!

گفت: اگر این آیه را خواندم: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۷ مگر این آیه در شأن علی [علیه السلام] نازل نشده است؟ و اگر من اینگونه تفسیر کنم، درست تفسیر نموده‌ام، و گرنه دروغ گفته‌ام.

معاویه گفت: بله، این آیه نیز در شأن علی [علیه السلام] نازل شده است؛ ولی شما این آیه را نخوان و تفسیر نکن، آیه دیگری بخوان و تفسیر کن!

گفت: اگر این آیه را خواندم: «إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»^۸ آیا این آیه درباره علی [علیه السلام] و خانواده او نیست؟ اگر من این گونه تفسیر کنم، مطابق با واقع است، و گرنه دروغ گفته‌ام و من جرأت بردروغ ندارم. گفت: آری، این آیه نیز درباره علی [علیه السلام] و خانواده اوست؛ ولی شما این آیه را نیز نخوان.



ابن عباس گفت: اگر من این آیه را تلاوت کردم: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ»^۹، مگر این آیه درباره علی (ع) نیست؟ و باید این گونه تفسیر کنیم، و گرنه خلاف واقع می شود. معاویه گفت: بله، این آیه نیز در شأن علی (ع) نازل شد؛ ولی شما این آیه را نیز قرائت نکن.

ابن عباس گفت: اگر من این آیه را تلاوت کردم: «سَتَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»^{۱۰}، مگر در رابطه با جریان غدیر نیست که «حارث بن نعمان فهري» به پیامبر (ص) عرض کرد: تا دیروز خودت امیر بودی و از فردا می خواهی پسرعمویت بر ما امیر باشد، این سخن، اگر از خودت است، که نمی پذیریم و اگر از طرف خداوند است، من تحمل ندارم که ببینم علی، امیر باشد، لذا از خداوند خواست که عذابی بر او نازل کند و او را نابود نماید. در این هنگام سنگی از آسمان فرود آمد، و باعث مرگ او شد. آیا این آیه درباره فضایل علی (ع) نیست؟ آیا نباید به همین صورت تفسیر شود؟ معاویه گفت: آری، این نیز درباره علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است؛ ولی شما این آیه را نخوان!

گفت: اگر این آیه را خواندم: «فَمَنْ حَاجَّكَ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^{۱۱}، مگر جان پیغمبر (ص) در این آیه، علی بن ابی طالب (ع) نیست؟ و اگر من این گونه تفسیر کنم، درست است، و گرنه خلاف واقع است. گفت: بله، علی بن ابی طالب (ع) است؛ ولی شما این آیه را نیز قرائت نکن، آیه دیگری بخوان!

گفت: اگر خواندم: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛ بگو: کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر تمام قرآن) نزد اوست، میان من و شما



گواه باشند».^{۱۲} مگر این آیه نیز دربارهٔ علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؟ و اگر من به این صورت تفسیر نمودم مطابق واقع تفسیر نموده‌ام، و گرنه دروغ گفته‌ام. گفت: این چنین است؛ ولی شما این آیه را هم قرائت نکن و آیه دیگری را قرائت و برای مردم تفسیر کن!

ابن عباس گفت: اگر خواندم: «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْؤُلُونَ؛ آنها را (در کنار دوزخ) نگهدارید که باید مورد بازپرسی قرار گیرند».^{۱۳} آیا این نیز دربارهٔ علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؟ و باید به همین صورت تفسیر شود، نه خلاف واقع؟

معاویه گفت: چرا، این هم دربارهٔ علی (علیه السلام) است؛ ولی شما این آیه را قرائت نکن. ابن عباس گفت: اگر خواندم: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ در میان مؤمنین کسانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند، صادقانه ایستادند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و شهید شدند] و بعضی دیگر در انتظارند و هیچ گونه تغییری در پیمان خود ندادند».^{۱۴} مگر این آیه نیز در مورد علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؟ معاویه گفت: قبول دارم. این آیه نیز در شأن علی بن ابی طالب (علیه السلام) است؛ ولی شما این آیه را نیز نخوان، آیه دیگری بخوان و برای مردم تفسیر کن! گفت: اگر خواندم: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ؛ آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ از خبر بزرگ و پراهمیت».^{۱۵} مگر این آیه نیز در شأن علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؟ و باید به همین صورت تفسیر شود، و گرنه مرتکب خلاف شده‌ام؟

گفت: چرا، این نیز دربارهٔ علی بن ابی طالب (علیه السلام) است؛ ولی شما این آیه را نیز نخوان!

ابن عباس همین طور آیات را تکرار می‌کرد و معاویه می‌گفت: این آیه را نخوان! سرانجام ابن عباس گفت: شما معین کن من چه آیه‌ای را بخوانم؟

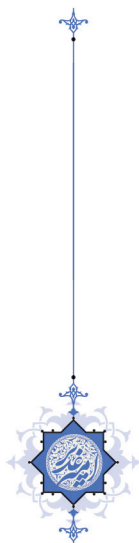


معاویه گفت: این سوره را بخوان: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا». ۱۶
 ابن عباس گفت: این آیه نیز مرتبط با علی (ع) است. معاویه گفت: چگونه؟
 گفت: مگر یادت نیست که بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) در مدینه زلزله ای آمد که خلیفه
 اول و دوم و دیگران هر کاری کردند، زلزله آرام نشد. مردم به در خانه علی بن ابی طالب (ع) رفتند و به امر حضرت، زمین آرام گرفت؟! ۱۷

وقتی سخن به اینجا رسید، معاویه به ناچار شد به ابن عباس اجازه رفتن داد تا بیش از
 این، آیات را در فضیلت حضرت علی (ع) نخواند. ۱۸ به راستی چگونه می توان قرآن تلاوت
 نمود و ذکر و نام علی (ع) را در آن نیافت؛ زیرا به گفته پژوهشگران و مفسران قرآنی، بیش از
 سیصد آیه در شأن علی (ع) نازل شده است ۱۹ که با توجه به مجال اندک این نوشتار، به بیان
 همین آیات بسنده می نماییم و ان شاء الله در لابلای مباحث صفحات آینده، برخی دیگر از
 آیات مرتبط با حضرت را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

بختش بلند هر که گرفتار حیدر است ...

در هیاهوی دنیا و گرد و خاکی که اهل آن به پا می کنند، ناخواسته، بر جان آدمی گرد و غبار
 می نشیند و دیده او را تیره می کند. در این میان، نسیمی بهاری و دل انگیز لازم است تا غبارها
 را بزداید و موانع دید دل را از میان بردارد. یکی از این نسیم های خوش، ترنم زبان به نام مولا
 و گوش فرا دادن به فضایل ایشان است که در این فرصت، برگی از کتاب فضائل و قطراتی از
 دریای کمالات بی بدیل اسد الله الغالب، علی بن ابی طالب، امام عارفان امیر مؤمنان علی (ع)
 را مرور می نماییم و جان را طروات و پاکی دوباره ای می بخشیم. ۲۰



جلوه ارادت!

«عُنَاوَنُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ سِرْلُوحِهِ وَتَيْتَرِ نَامِهِ أَعْمَالُ مُؤْمِنٍ فِي قِيَامَتِ، مَحَبَّتِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْت.»^{۳۱}

مباهات خدا به علی (علیه السلام)

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبَاهِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كُلَّ يَوْمٍ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ؛ خَدَاوَنَد بِأَعِزَّتِ وَ جَلَالِ، هَر رُوزِ بَرِ فَرَشْتِگَانِ مَقْرِبِشِ بَه عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ افْتِخَارِ مِی کَنَد.»^{۳۲}

فقط خدا و من

«يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرُكَ وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرَ اللَّهِ وَ غَيْرِي؛ اِی عَلِی! خَدَاوَنَد مُتَعَالِ رَا نَشْنَاخَتِ بَه حَقِیْقَتِ شَنَاخَتِشِ جِز مَن وَ تَوِ، وَ تَوِ رَا نَشْنَاخَتِ اَن گُونِه کِه حَقِ شَنَاخَتِ تَوَسْتِ، جِز خَدَا وَ مَن.»^{۳۳}

علی (علیه السلام)، عصاره پیامبران

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي تَقْوَاهُ وَ فَهْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي جِلْمِهِ وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ هَر کَسِ مِی خَوَاهَدِ عِلْمِ حَضَرَتِ آدَمِ وَ تَقْوَا وَ فَهْمِ حَضَرَتِ نُوحِ وَ حِلْمِ حَضَرَتِ اِبْرَاهِیْمِ وَ زَهْدِ حَضَرَتِ یَحْیٰی وَ هِیْبَتِ حَضَرَتِ مُوسٰی وَ عِبَادَتِ حَضَرَتِ عِیْسٰی رَا بَبِیْنَدِ، بَه عَلِیِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَنَگَرَدِ؛ هَر کِه مِی خَوَاهَدِ بَه آدَمِ وَ عِلْمِ او وَ نُوْحِ وَ تَقْوَایِ او وَ اِبْرَاهِیْمِ وَ دُورَانْدِیْشِ وَ بَرْدْبَارِیِ او وَ مُوسٰی وَ هِیْبَتِ او وَ عِیْسٰی وَ عِبَادَتِ او بَنَگَرَدِ، بَه عَلِیِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَنَگَرَدِ.»^{۳۴}





مرد فضیلت ها

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي فَضَائِلَ لَا تُحْصَى كَثْرَةً؛ خداوند برای برادرم علی فضایلی قرار داده که از فراوانی به شماره نمی آیند».^{۲۵}

فضائل بی انتها

«لَوْ أَنَّ الزِّيَادَ أَقْلَامَ وَ الْبَحْرَ مِدَادَ وَ الْجَنُّ حُسَابَ وَ الْإِنْسُ كُتَابَ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ اگر همه درختان باغ ها قلم شوند و تمام دریاها مرکب و جوهر، و جن ها حساب گرو انسان ها نویسنده گردند، نمی توانند فضایل علی علیه السلام را شماره کنند».^{۲۶}

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که ترک کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

برتر از آسمان و زمین!

«لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَضَعْتُ فِي كَفِّهِ وَ وُضِعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كَفِّهِ لَرَجَحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ علیه السلام؛ اگر تمام هفت آسمان و زمین در یک کفه ترازو قرار بگیرد و ایمان علی علیه السلام در کفه دیگر، ایمان او سنگینی می نماید».^{۲۷}

شهرت آسمانی

جبرئیل امین خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «يَا مُحَمَّدُ! وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لَأَشَدَّ مَعْرِفَةً لَهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ سوگند به آن خدایی که تو را به حق مبعوث ساخته است، اهل آسمان ها علی را بهتر از ساکنین زمین می شناسند».^{۲۸}

علی علیه السلام؛ تجسم توحید

«یا علی! مثلك فی الناس كمثل سورة «قل هو الله أحد». فمن قراها مرّة فكأنما قرأ ثلث القرآن... وکذلک أنت یا علی! فمن أحبک یقلبه، فقد أدرك ثلث الايمان، و من أحبک یقلبه و لسانه... علی جان! مثل تو در میان این مردم مثل سورة «قل هو الله أحد» است. هر کس یک بار این سورة را بخواند، مثل آن است که یک سوم قرآن را خوانده است، هر کس دو بار این سورة را تلاوت کند، مثل آن است که دو سوم قرآن را خوانده است، هر کس سه بار این سورة را بخواند، مثل کسی است که تمام قرآن را خوانده است و تو هم یا علی! این طور هستی، اگر کسی تو را فقط با قلبش بخواند، [تنها در قلبش تو را دوست داشته باشد]، این شخص یک سوم ایمان را به دست آورده است. اگر کسی هم با قلبش و هم با زبانش تو را خوانده و به تو محبت ورزد، دو سوم ایمان را به دست آورده است و اگر کسی قلبش تو را بخواند و با زبان از تو دفاع کند و با اعضا و جوارح از تو پیروی کند، تمام ایمان را داراست».^{۲۹}

به امتداد قیامت!

«خلق الله من نور وجه علي بن ابي طالب سبعين ألف ملك يستغفرون الله له و لمحبیه إلى يوم القيامة؛ خداوند از نور چهره علی علیه السلام هفتاد هزار فرشته آفرید که تا روز قیامت برای علی و دوستانش از خداوند طلب آمرزش می‌کنند».^{۳۰}

هدیه خدا به محبان علی علیه السلام

«فمن ذكر فضيلة من فضائله مقرأ بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر؛ و من كتب فضيلة من فضائله لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لذلک المکتوب رسم؛ و من استمع إلى



فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَاللَّهُ ذُنُوبَهُ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ؛ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَاللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ؛ خداوند برای برادر فضایلی قرار داده است که از شمارش بیرون است؛ هرکس یکی از فضایل او را بیان کند و بدان معترف باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را خواهد بخشید؛ هر کس فضیلتی از فضایل او را بنویسد، تا وقتی که از آن نوشته اثری باقی است، فرشته‌ها برایش طلب آموزش می‌کنند؛ هرکس به فضایل علی عَلَيْهِ السَّلَام گوش سپارد، خداوند گناهانی را که به وسیله گوش مرتکب شده است عفو می‌کند؛ هرکس به نوشته‌ای که در فضیلت علی عَلَيْهِ السَّلَام است، نگاه کند گناهانی که به وسیله چشم انجام داده است، مورد آموزش قرار خواهد گرفت».^{۳۱}

تاج نورانی

«يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِكَ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ، وَ عَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ يُضِيءُ... فَيَنَادِي الْمُنَادِي: مَنْ أَحَبَّكَ أَذْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ مَنْ عَادَاكَ أَذْخَلَهُ النَّارَ؛ فَانْتَ الْقَسِيمُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ؛ ای علی! آن زمان که روز قیامت فرا رسد، تو را بر استری از نور (به صحرای محشر) می‌آورند؛ در حالی که تاجی درخشنده از نور بر سرت گذاشته‌اند، تاجی که شدت نور آن، چشمان اهل محشر را می‌آزارد. آن گاه ندایی از جانب پروردگار می‌رسد که: جانشین محمد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کجاست؟ پس تو ای علی! می‌گویی: من هستم! پس آن منادی می‌گوید: هر آن کس که تو را دوست دارد به بهشت وارد کن و هر آن که تو را دشمن می‌دارد به دوزخ انداز؛ که به فرمان آن پادشاه جبران کننده، تو قسمت کننده بهشت و دوزخ (در میان مردمان و اهل محشر) هستی».^{۳۲}



راه نجات!

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَيِّتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَ بِهَا رَبِّي... فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ ابْنَ أَبِيطَالِبٍ وَأَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ؛ هَرَكَس دُوسْت دَارْد كِه هَمچو مِنْ زَنْدِگِی كَنْد وَ بَمِیرِد وَ دَر بَهشت خُدا وَارِد شُود، پَس بایِد پَس از مِنْ وَلايَت عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ پِشِوایانِ پَس از او را بپذیرد».^{۳۳}

روز حسرت!

«يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُخْدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمْرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكْ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا؛ هَرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد [نهمصد و پنجاه سال] به عبادت خدا بپردازد و به مقدار کوه اُخْد طلا داشته باشد و در راه خدا اتفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد، و بعد بین صفا و مروه به ناحق کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و هرگز داخل آن نمی‌شود».^{۳۴}

خوشا به حال محبان علی علیه السلام!

«يَا عَلِيُّ! طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ عَلَيْكَ وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيْكَ؛ ای علی! خوشا بر حال دوست‌داران تو و آنان که تو را قبول دارند و وای بر آنان که تو را دشمن می‌دارند و تو را تکذیب می‌کنند».^{۳۵}

رهبر سپیدرویان

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لِكَلِّهِ أُسْرِي بِهِنَّ: سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَ إِمَامٌ



الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ؛ در شب معراج، خداوند سه ویژگی از علی علیه السلام به من وحی فرمود:
او سرور ایمان آورندگان و پیشوای پرهیزگاران و رهبر سپیدرویان (در روز قیامت) است». ^{۳۶}

گذرنامه بهشت

« لَا يَجُوزُ أَحَدُ الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلَى الْجَوَازِ أَحَدِي از پل صراط نمی‌گذرد، جز کسی که از علی علیه السلام جواز عبور داشته باشد». ^{۳۷}

ایمنی در آخرت

«وَأَمَّا عَلِيٌّ فَهُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَخْشَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَحَبَّهُ؛ علی علیه السلام همان صدیق اکبر است که هر کس او را دوست دارد، روز قیامت ترسی نخواهد داشت». ^{۳۸}

اگر در دل همه مهر علی علیه السلام بود...

«لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بَنِ ابِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ؛ اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند، خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی‌آفرید». ^{۳۹}

آماده بهشت!

«قُلْ لِمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يَتَهَيَّأُ لِدُخُولِ الْجَنَّةِ؛ به دوست دار علی علیه السلام بگو خود را برای وارد شدن به بهشت آماده کند». ^{۴۰}

با این همه عظمت و شگفتی، باید گفت: «بختش بلند هر که گرفتار حیدر است» و همواره این ذکر را بر زبان جاری کرد که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام».





فصل سوم

آموزه‌هایی از خطبه غدیر

شأن و مقام والای امیرمؤمنان (علیه السلام) آن قدر در اوج قرار داشت که با وجود احتمال خطرها و کارشکنی‌ها، رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) وظیفه یافت ولایت حضرت را به همگان اعلام نماید و از آنان قول وفاداری و همراهی بگیرد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در خطبه‌ای نورانی و سرشار از آموزه‌های ناب دینی، راهبردهای اساسی زندگی دینی را بیان و منشور سبک زندگی مسلمانان حقیقی را ارائه کردند. در این فرصت، فرازهایی از این خطبه مورد بازخوانی و دقت قرار می‌گیرد، بدان امید که تمسک به این کلمات نورانی، گامی به جلو در معنویت و معرفت شیعیان و پیروان حضرتش باشد.

انتخاب مطمئن

﴿فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ﴾
ای مردم! بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر هر یکتاپرست، لازم شمرده است.

مسیر یکی است!

هنگام مسافرت گاهی لازم است راننده یا خلبان دیگری فرمان هدایت را به دست بگیرد و مسافران را به مقصد برساند. این تغییر و جابجایی، به معنای تغییر مسیر نیست؛ بلکه راننده جدید نیز که پیش از این امتحان‌های بسیاری را با موفقیت پشت سر گذاشته است، همان مقصد و هدف از پیش تعیین شده را خواهد پیمود و مسافران را با سلامت و آرامش به مقصد نهایی خواهد رساند.

قطعاً در چنین وضعیتی یا آن‌گاه که راننده به هر علتی نتواند به مسیر ادامه دهد، آیا معقول و منطقی است کسی ادعا نماید یکی از مسافران یا مثلاً مسن‌ترین فرد حاضر در این جمع، به جای راننده یا خلبان هدایت مسافران را عهده دار شود؟ آیا نتیجه چنین انتخابی، جز سقوط و هلاکت خواهد بود؟!

امامت؛ تداوم نبوت

با فرا رسیدن روزهای پایانی عمر شریف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، به امر الهی بنا شد هدایت امت اسلامی به دست با کفایت امیرمؤمنان علیه السلام سپرده شود؛ همان کسی که پیش از این بارها آزمون‌های بسیاری را با سرافرازی و موفقیت پشت سر نهاده بود و مدال‌های مختلف شجاعت، جوانمردی، مواسات و برادری، صداقت و عدالت، ایمان و دیانت، پاکی و طهارت و مانند آن را دریافت کرده بود و شاگرد ممتاز و نخبه رسول الله صلی الله علیه و آله در تمامی امتحانات بود. همان کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر، با تعابیری بلند و ژرف، به لیاقت و برازندگی او برای پوشیدن خلعت ولایت و هدایت امت تصریح نمودند و در فرازهای مختلف این خطبه فرمودند: «ای مردم! فضائل و برتری‌های علی بن ابی‌طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یک باره برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن‌ها را شناخت، او را تصدیق و تأیید کنید».^{۴۱}

بعد مصادیقی از این فضائل را این‌گونه بیان فرمود: «ما نَزَّلَتْ آيَةً رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَآنَ نَزَّلَتْ آيَةً مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ... آیه‌ای در مورد رضایت پروردگار نازل نشده، مگر آنکه در شأن اوست. و خداوند مؤمنان را مخاطب قرار نداده،



مگر آنکه به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است] و آیه مدح و ستایشی نازل نگشته، مگر درباره او. و گواهی نداده خداوند به بهشت در سوره «هل أتى على الإنسان»، مگر برای او، و این سوره را در حق غیر او نازل نکرده و با آن جز او را نستوده است». سپس مَهر تأیید خود و خدا را بر مَهر و ولای مولای متقین زده و فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنُضِرْكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ؛ ای مردم! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عَزَّوَجَلَّ و من از علی عَلَيْهِ السَّلَام خشنود و راضی هستیم».

آینه غدیر

مؤمنان ولایت‌مدار موظفند همواره پشت سر سکان دار هدایت جامعه حرکت نمایند و در هر برهه از تاریخ که قرار گرفته اند، با شناخت صحیح از زمان، با قرار گرفتن پشت سر رهبر و پیشوای جامعه، نقش و وظیفه خود را به خوبی انجام دهند. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در خطبه غدیر با تبیین ویژگی‌های برتر امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام برای هدایت جامعه اسلامی، همگان را به پیروی از او و فرزندان ایشان فراخواندند و فرمودند: «فَعَلَيْ وَلِيِّكُمْ وَمُيِّينُ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلْقِهِ؛ علی عَلَيْهِ السَّلَام صاحب اختیار و تبیین کننده بر شماست. خداوند عَزَّوَجَلَّ او را پس از من امانت دار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش‌های شما را پاسخ دهند و آنچه را نمی‌دانید، به شما می‌آموزند».



یک اتفاق تلخ

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ... فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾ ای مردم! خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس به او و کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند اقتدا نکند، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود.

فرازی از خطبه غدیر

همه انسان ها آرزوهای کوچک و بزرگی در سر پرورانده و برای تحقق آنها تلاش می نمایند. گاه انسان عمری در سایه زحمت و تلاش خود، سرمایه ای را جمع آوری می کند تا بتواند یکی از اهداف و آرزوهای خود همانند خرید خانه یا ماشین را جامه عمل بپوشاند و از به بار نشستن ثمره تلاش هایش مسرور گردد.

حال اگر در اثر اتفاقی پیش بینی نشده و دور از ذهن، تمام اندوخته هایش نیست و نابود شود، بدترین اتفاقی است که می توانست تصور کند؛ حادثه ای که تلخی آن هرگز فراموش نخواهد شد.

در عرصه دین داری و مسائل معنوی نیز چنین خطری وجود دارد و چه بسا برخی افراد بر اثر غفلت و جهل، ثمره یک عمر تلاش خود را بی اثر نموده و حاصلی جز حسرت و آه، از آن همه زحمت و رنج نبرند.

به عبارت دیگر، اعمال عبادی، کارهای خیر، نماز و عبادت، خوش خلقی و نیک رفتاری، دستگیری و کمک به نیازمندان و مانند آن، همگی به مثابه سرمایه های معنوی برای



انسان است که به او انرژی حرکت برای رسیدن به مقصد نهایی قرب الهی و آراستگی به فضائل را می‌دهد، به شرط آنکه این سرمایه‌ها را با غفلت خود پوچ و نابود نگرداند. بنابراین آموزه‌های دینی، مهم‌ترین عامل حفظ و حراست از این سرمایه‌های معنوی، پذیرش ولایت معصومین علیهم‌السلام است.

آینه غدیر

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید».^{۴۲}

معنای آیه آن است که گوش فراندادن و بی‌اعتنایی به خواست و دستور خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مساوی با نابودی و از بین رفتن تمام اعمال آدمی است.

بدون شک، نقطه عطف پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در غدیر خم، لزوم پیروی از ولایت امیرمؤمنان علیه‌السلام و فرزندان معصوم ایشان است که بارها بر آن پافشاری و اصرار نمودند و خطاب به حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «اگر [از فرصت امروز استفاده نکنم و] آنچه درباره ولایت تو است به مردم نرسانم، تمام اعمال من محو می‌شود».^{۴۳}

براین باور، تبعیت از ولایت، پیام اصلی خطبه غدیر است که بی‌توجهی به آن، اعمال انسان را پوچ و غضب الهی را برای او به دنبال خواهد آورد؛ همانگونه که حضرت فرمودند: «وَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِكَ فَقَطَّ حَبَطَ عَمَلُهُ؛ کسی که بدون اعتقاد به ولایت تو، خدا را ملاقات کند، عملش را نابود ساخته است».^{۴۴}



امان از غفلت!

﴿عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ...﴾

علی بن ابی طالب همان است که نماز به پا داشته و...

فرازی از خطبه غدیر

شهر بی خبران!

امروزه سرگرمی های پرجاذبه کم نیستند؛ از فیلم ها و برنامه های جذاب، بازی های متنوع رایانه ای، سینما و تلویزیون، برنامه های ورزشی، اینترنت و ماهواره، موبایل، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی و ده ها جذابیت دیگر که ساعت ها انسان را مجذوب و فریفته و گاه چنان غفلت زده می کند که ساعت ها از هیچ چیز خبردار نمی شود.

پروردگار مهربان برای اینکه انسان در مشکلات روزمره و وسوسه های شیطان گرفتار نگردد، دقایق و زمان های مشخصی را قرار داده تا انسان با شستشوی خود در زلال نماز، غبارهای غفلت را از جان و تن بشوید و پاکیزه و مطهر، به ادامه مسیر بندگی بپردازد. امام باقر (ع) در این رابطه می فرمایند: «اگر هر فرد با ایمانی، نمازهای واجب را به موقع و به طور صحیح انجام دهد، از غافلان نخواهد بود».^{۴۵}

سخنی از رهبر

رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای (حفظه الله) نیز در تعبیر زیبایی درباره نماز می فرماید: اینکه نماز را در هر روز گذاشته اند و با تناوب گذاشته اند، برای این است که ما دچار غفلت نشویم. یکی از بزرگ ترین نعمت های خدا، همین واجب کردن نماز بر ما است. اگر نماز را بر ما واجب نمی کردند، ما غرق در غفلت می شدیم؛ صبح، از خواب که پا می شوید، به یاد خدا؛



ظهر، وسطا اشتغالات زندگی و معیشتی، به یاد خدا؛ شب، در پایان یک روزی که در آن تلاش کردید و کار کردید، به یاد خدا.^{۴۶}

آینه غدیر

با توجه به جایگاه و اهمیت بی بدیل اقامه نماز در زندگی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چند بار در خطبه غدیر بر اقامه آن تأکید کردند و فرمودند: «أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيُمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ هشدار که دوباره می‌گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید».

و فرمود: «ای مردم! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید، همانگونه که خداوند عزوجل امر فرموده است».^{۴۷}

نکته حائز اهمیت اینکه آن حضرت، نمازگزاری را از لوازم و بایسته‌های سبک زندگی مؤمنان ولایت‌مدار دانسته و امیرمؤمنان علیه السلام را به عنوان مصداق بارز از کسانی شمردند که در هر زمان و مکانی، بر این مسئله اهتمام داشتند.

چگونه ممکن است کسی شیعه و دوست‌دار علی علیه السلام باشد، ولی نسبت به نماز کاهلی و سهل‌انگاری نموده، آن را ترک نماید؛ در حالی که حضرت امیر علیه السلام می‌فرمود: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ؛ آن کس که نماز را تضييع نماید [ترک کند یا در اقامه آن سستی ورزد] از من نیست».^{۴۸}



کمتر گناه کن!

﴿...وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا الْآتِقِي، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ مُخْلِصٌ﴾... و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزگار. و به او نمی گروید مگر ایمان داری آرایش»
فرازی از خطبه غدیر

ناجی

شخصی به نام «ناجی» قصیده‌ای در مدح حضرت علی علیه السلام سرود. شبی در عالم خواب خدمت آن حضرت شرفیاب شد. حضرت فرمود: «قصیده‌ای که درباره من سروده‌ای، بخوان!»
شاعر با شوق هر چه تمام، اشعار خود را یک یک خواند و در پایان نام خود را در شعر گنجانده و گفت:

ناجی اگر معامله‌ی حشر با علی است
از من شنو هر آنچه توانی گناه کن
حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «همه را خوب گفته‌ای، ولی آخرش را این چنین اصلاح کن:
ناجی اگر معامله‌ی حشر با علی است
شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن»^{۴۹}

افتخاری برای همیشه

افتخار شیعه، پیروی کردن و منتسب بودن به نام مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه



معصومین علیهم السلام است؛ نامی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح بود و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار به شیعه بودن شهرت داشتند^{۵۰} و به تعبیری، این نام مبارک را خاتم رسولان الهی بر پیروان آن حضرت نهادند و رسول خدا صلی الله علیه و آله، بارها لفظ «شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ» شیعه تو ای علی... را بر زبان جاری فرمودند.

آن حضرت همچنین در روایات مختلف، شیعیان را تنها گروه نجات یافته و برترین مردمان دانسته و آنگاه که آیه: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^{۵۱} نازل شد، خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «منظور از این آیه، تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد [عرصه محشر] می شوید؛ در حالی که هم شما [از خدا] راضی هستید و هم خدا از شما راضی است و دشمنت وارد [محشر] می شود، در حالی که خشمگین و به زور به جهنم می رود»^{۵۲}.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز درباره مقام والا و جایگاه با عظمت شیعیان فرمود: «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِزًّا وَعِزُّ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ...؛ آگاه باشید! به راستی هر چیزی را عزتی است و عزت اسلام شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی رکنی است و رکن اسلام شیعه است. برای هر چیزی علو و برتری است و برتری اسلام شیعه است. بیدار باشید! برای هر چیزی آقا و سروری است و سید مجالس، مجالس شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی آبرویی است و آبروی اسلام شیعه است. بیدار باشید! برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین آن سرزمینی است که شیعه در آن زندگی می کند»^{۵۳}.

راستی که این همه عظمت جز بر قامت راستین شیعه نزید و جز بر پیروان راستین علی علیه السلام بر دیگران منطبق نشود. اینجاست که مسئولیت شیعه بودن صد چندان می شود. مبدا کسی

ادّعای شیعه‌گری داشته باشد، ولی باعث عزّت و آبروی اسلام نباشد! مبدا تنها نامی از شیعه بودن را با خود یدک بکشیم، ولی عمل و رفتارمان هیچ شباهتی با مولا نداشته باشد!

اینکه از شیعه فقط نام بدانیم بد است
ما نمک گیر چنین لقمه بمانیم بد است
شیعه یعنی کفن سرخ بلا پوشیدن
شیعه یعنی می عشقی ز خدا نوشیدن

آینه غدیر

پیام غدیر همین است که ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام)، نجات دهنده است؛ ولی بِشَرَطِهَا وَ شُرُوطِهَا. عجیب آنکه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در جمع آن مردمان و همه پیروان و دوستداران علی (علیه السلام) فرمودند: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ؛ اینک هر کس پایه کار خویش را مهر و محبت و یا خشم و ناراحتی علی در دل قرار دهد». مفهوم ساده‌ای که از این جمله می‌توان برداشت کرد این است که ای شیعیان و محبان علی (علیه السلام)، رفتارهای خودتان را به اندازه محبتی که به حضرت علی (علیه السلام) دارید، بر مدار دین و رضایت الهی قرار دهید و بدانید که شیعه‌گی تنها به ادعا نیست.

حال هر کس باید به خود و اعضای خانواده و وابستگان خویش بنگرد و بسنجد که زندگی، پوشش، عبادت، کسب و کار و دیگر شؤون زندگی او، چه اندازه با دستورات دینی هماهنگ است و لبخند رضایت را بر لبان مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) و فرزندش امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌نشانند و یا اینکه خدای ناکرده، عرق شرم و خجلت بر پیشانی!

خدا آن روز را نیاورد!

﴿وَلَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يُبْرِي اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا﴾

هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. فرازی از خطبه غدیر

موج های شبهه

هنگام هجوم سیل بنیان کن و موج های دهشت آور، برای محفوظ ماندن از آسیب و خطر، انسان باید خود را در پناه حصارهای مستحکم قرار دهد، در غیر این صورت، هرگونه سستی و کاهلی، مساوی با مرگ و اتفاقات ناخوشایند دیگر خواهد بود.

امروزه بارش هجمه های فکری و سیل شبهات پیرامون ولایت امیرمؤمنان علیه السلام، باورهای دینی، ارزش ها و هنجارهای مذهبی و خانوادگی و مانند آن، از راه های گوناگون ماهواره ای، رسانه ای، شبکه های اجتماعی، فضاهای مجازی، محفل دوستان ناآگاه یا مغرض، فیلم و سریال و مانند آن، بسان موج های سیل آسا به سوی ذهن و فکر انسان روانه اند که اگر انسان خود را در پناه اطلاعات صحیح علمی، تاریخی، مذهبی و نیز مراجعه به کارشناسان دینی قرار ندهد و به حصار محکم قرآن و دیگر عبادات تکیه ننماید، شبهات و پرسش های هدفمند این چنین، چه بسا باعث تزلزل او شده و زمانی به خود بیاید که کار از کار گذشته و متوجه گردد که انگار دیگر آن معرفت و عشق پیشین نسبت به مولای متقیان علیه السلام، ولایت اهل بیت علیهم السلام و باورهای زیبای دینی را ندارد و حس و حال خوش گذشته، از او سلب شده است.

برای در امان ماندن از این هجمه ها، علاوه بر مطالعات دینی و پرسش از آگاهان مورد اطمینان مذهبی، باید نسبت به ذکر، نماز، قرائت قرآن و ادعیه و دیگر عبادات، اهتمام و



جدیت بیشتری به خرج داد و از خواندن دعای غریق غفلت نورزید، همانطور که امام صادق علیه السلام برای در امان ماندن از شبهه‌ها و هجمه‌های فکری و دینی دوران غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، خواندن این دعا را سفارش کردند و فرمودند: «پس از این، شبهه‌ای شما را خواهد رسید، که بدون نشانه دیده‌شدنی و امام هدایت‌کننده‌ای خواهید ماند و از آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که دعای غریق را بخواند.

راوی می‌گوید: عرضه داشتیم: دعای غریق چگونه است؟
فرمود: چنین بگوید: «یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلٰی دِینِکَ؛ ای خداوند! ای رحمان! ای مهربان! ای دگرگون‌کننده دل‌ها! دل مرا بر دینت پایدار کن.»^{۵۴}

آینه غدیر

به همین جهت بود که در خطبه غدیر، وقتی نوبت به بیعت رسید، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: با تمام وجودتان بیعت کنید و از خدا بخواهید که طلای ناب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد او را از شما نگیرد و همیشه بر ولایت ایشان پایدار بمانید. بعد فرمودند: همگان این جمله را تکرار کنید و بگویید: «وَلَا تَبْتَغِ بِذَٰلِكَ بَدَلًا وَلَا یَرِیَ اللهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا»؛ یعنی خدا نکند روزی بیاید که ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان را با بدلیجات دنیایی معاوضه نماییم و دشمنان ولایت را شاد نماییم.

معنویت‌های کور شده

﴿قُولُوا: (سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا)، وَقُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ)﴾ بگویید: «شنیدیم و فرمان می‌بریم» و نیز بگویید: «تمام سپاس و ستایش، خدایی

راست که ما را به این راهنمایی فرمود، وگرنه راه نمی یافتیم». فرازی از خطبه غدیر

توقع نابجا

کسی که دستانش را روی شعله‌های آتش بگیرد، یا وقتی که تفنگ بر شقیقه کسی نهاده و انگشتش را آماده شلیک کرده است، نمی‌تواند توقع داشته باشد مأموران الهی انگشتان او را گرفته و با خواهش و التماس، او را از انجام این عمل ناپسند منصرف نمایند!

این توهّمات و توقّعات، جایی در عالم واقعیت ندارد و خداوند متعال، قدرت انتخاب و انجام عمل مثبت یا منفی را از انسان سلب نمی‌کند؛ چرا که وقتی انسان مجبور به انجام خوبی‌ها و ناتوان از گناه باشد، بهشت و جهنم نامفهوم و بی‌ارزش خواهد شد.

واقعیت این است که خداوند به بشر نعمت هدایت و قدرت انتخاب مسیر را عنایت کرده است و بدی‌ها و خوبی‌ها را برای او آشکار ساخته است، حال اگر کسی می‌خواهد خود، خانواده و جامعه را با آتش گناهان بسوزاند و آرامش و معنویت خود و خانواده را سلب نماید، خداوند متعال با جبر و اجبار، مانع انتخاب او نخواهد شد؛ زیرا پیش از این به او قدرت عقل، اراده، درک صحیح و استفاده از تجارب دیگران را عنایت فرموده و او می‌تواند با پای بندگی به آموزه‌های دینی و دوری از مفاسد و گناهان، خود و بستگان را از آتش خشم و قهر الهی مصون دارد.

کسی که نسبت به حجاب و پوشش همسر و دخترش بی‌تفاوت است، نسبت به نماز و روزه و دیگر واجبات سهل‌انگار است، حریم محرم و نامحرم برایش معنایی ندارد، در کسب و کار رعایت حلال و حرام نمی‌کند و خلاصه نسبت به هر گناهی متمایل و نسبت به هر واجبی



بی تفاوت است، چنین فردی را باید از جمله ناسپاس ترین افراد به شمار آورد که نعمت هدایت و ولایت را به بهای اندک لذت های گذرا واگذار کرده و خود و خانواده را از سعادت و خوشبختی حقیقی دور نموده است.

آینه غدیر

پیام غدیر نیز آن است که هدایت از جانب پروردگار است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» و همگان باید با قرار گرفتن در سایه چتر حمایتی امامت و ولایت ائمه هدی (علیهم السلام)، از نعمت هدایت به خوبی ها و گرایش به معنویات و پذیرش ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) سپاسگزاری نمایند و و به وظیفه خود که همان اطاعت و تسلیم در برابر فرامین الهی است، عمل نمایند: «وَقُولُوا: سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا؛ بگویید: شنیدیم و فرمان می بریم».

هنر ایمان به نادیده ها

﴿الْإِنِّ أَوْلِيَاءُ لَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ بدانید که یاران امامان در نهان و غیب، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ برای آنان خواهد بود.

خانه ای در بهشت

روزی «زبیده» همسر هارون الرشید ملعون در راه بهلول را دید که با کودکان بازی می کرد و با انگشت بر زمین خط می کشید.
پرسید: چه می کنی؟



گفت: خانه می سازم.

پرسید: این خانه را می فروشی؟

گفت: آری.

پرسید: قیمت آن چقدر است؟

بهلول مبلغی ذکر کرد.

زبیده فرمان داد که آن مبلغ را به بهلول بدهند و خود دور شد.

بهلول زر را گرفت و میان فقیران تقسیم کرد.

شب هارون الرشید در خواب دید که وارد بهشت شده، به خانه ای رسید و چون خواست داخل شود او را مانع شدند و گفتند: این خانه از زبیده همسر توست.

فردای آن روز، هارون ماجرا را از زبیده پرسید. زبیده قصه بهلول را بازگو کرد.

هارون نزد بهلول رفت و او را دید که با اطفال بازی می کند و خانه می سازد. گفت: این خانه را می فروشی؟

بهلول گفت: آری!

هارون پرسید: بهایش چه مقدار است؟

بهلول چندان مال نام برد که در جهان نبود.

هارون گفت: به زبیده به اندک چیزی فروخته ای.

بهلول خندید و گفت: زبیده ندیده خریده و تو دیده می خری، میان این دو، فرق بسیار

است. ۵۵

البته امثال هارون الرشید به واسطه جنایت هایی که کرده اند، هرگز بهشتی نخواهند شد،

ولی نکته قابل تأملی که در این حکایت نهفته است اینکه، باور به غیب و نادیده‌ها، یکی از اصول و پایه‌های دینداری است که باعث نظم‌بخشی و جهت‌دهی به افکار و رفتار انسان می‌گردد و نمایان‌گر میزان باور قلبی او خواهد بود.

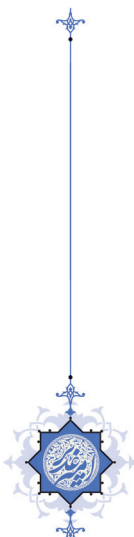
قرآن کریم نیز در بیان نشانه‌های خدا باوران و متقین می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ این کتاب، هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند».^{۵۶}

بر این باور، هنر بندگی این است که انسان چیزهای ندیده را باور و قبول کند. مؤمن، کسی است که خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) را اگرچه ندیده، ولی باور داشته باشد.

اکنون نیز که دست شیعیان از مولایشان صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کوتاه است، این باورپذیری و متعبد بودن به آموزه‌های دینی، برگ برنده ایمان و علامتی بر نیکویی آن است؛ از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «ای علی! بزرگترین مردمان در ایمان و یقین (به خداوند و نشانه‌های او) کسانی هستند که در آخر الزمان زندگی می‌کنند، آنها پیامبرشان را ندیده‌اند و امامشان در غیبت به سر می‌برد، با این همه از روی علوم و معارف و کتاب‌هایی که در اختیار دارند، ایمان آورده و در ایمان خود پایداری می‌ورزند».^{۵۷}

آینه غدیر

در خطبه غدیر، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) یکی از نشانه‌های دوستان و همراهان امام (علیه السلام) را کسانی



می‌داند که باور به غیب داشته و این باور، آنان را از زشتی‌ها و رفتارهای آلوده دور می‌کند؛ این افراد، با ایمانی سترگ و قابل ستایش، لایق بهشت و اجر و پاداش بزرگ الهی‌اند که در کوران فتنه‌ها و آماده بودن بسترهای گناه و بی‌بندوباری، بر باورهای ایمانی خویش استوار مانده و برای جلب رضایت مولای خویش، لحظه‌ای از خدا باوری و خداخواهی خود نمی‌کاهند.

بفرمایید بهشت!

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ التَّعِيمِ؛ ای مردم! سبقت جوین به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام دهندگان بر او بالقب امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت‌های پربهره خواهند بود».

فرازی از خطبه غدیر

رستگاران

همگان آرزومند سعادت و خوشبختی و رسیدن به فلاح و رستگاری هستند. نگاهی به معارف دینی به ما می‌آموزد که وقتی تلاش‌های انسان در زندگی، او را به «هدف خلقت» برساند، «فائز» و رستگار است.

فوز در فرهنگ دینی آن است که انسان با بهره‌گیری از نعمت‌های خدا بتواند سعادت جاودانه را که کامیابی آخرت و بهشت است، به دست آورد. به دیگر سخن، فوز عظیم و رستگاری کامل، رسیدن به کامروایی اخروی است. به تعبیر حضرت علی (ع): «الْآخِرَةُ فَوْزُ السَّعْدَاءِ».^{۵۸}

امام حسین (ع) نیز فرمودند: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَ مَرْهَا حُلْمٌ وَ الْآخِرَةُ الْفَائِزُ مَنْ



فَازَ فِيهَا وَالشَّقِيُّ مَن شَقِيَ فِيهَا؛ بدانید که تلخ و شیرین دنیا همه‌اش خواب و خیال است. بیداری و هشیاری در آخرت است؛ فائز و رستگار کسی است که در آخرت به سعادت برسد و بدبخت کسی است که به شقاوت آخرت گرفتار آید.^{۵۹}

سرچشمه رستگاری

نگاهی به قرآن ما را با سرچشمه سعادت و رستگاری آشنا کرده و راه‌های سعادت‌مندی را به ما نشان می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا؛ کسی که مطیع خدا باشد یعنی از خدا و رسول اطاعت و پیروی کند، به فوز عظیم دست پیدا می‌کند».^{۶۰}

در آیه‌ای دیگر، ایمان همراه با هجرت و جهاد در راه خدا را نشانه کامیابی و رسیدن به رستگاری می‌شمارد و می‌فرماید: «آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند، در بالاترین درجه در نزد پروردگارند و ایشان فائز هستند».^{۶۱}

و در بیانی دیگر، معامله با خدا و ایثار مال و جان را از علائم فلاح و فوز دانسته و می‌فرماید: «همانا خدا از مؤمنان جان و مالشان را به بهای بهشت خریداری کرد؛ آنان در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این در تورات و انجیل و قرآن وعده‌ی حقی بر عهده خدا است، و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با خدا کرده‌اید شادمان باشید و این همان رستگاری بزرگ است».^{۶۲}

و پیرامون صبر و استقامت می‌فرماید: «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ من [هم] امروز به [پاس] آنکه صبر کردند، بدانان پاداش دادم، آنها پیروز و رستگارند».^{۶۳}



علی علیه السلام؛ امام رستگاران

به راستی چه کسی جز امیرمؤمنان علیه السلام است که تمامی این ویژگی‌ها در او تجلی نموده باشد؛ او که در همه حالات از خدا و رسولش اطاعت نمود؛ در هجرت همگام و همراه وفادار پیامبر بود؛ با مال و جان ایثار نمود؛ در معامله‌ای بزرگ با خدا در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله در لیلۃ المیت خوابید و جان خویش را فدای پیامبر ساخت؛ به خاطر مصلحت اسلام، صبر و سکوت ۲۵ ساله را به جان خرید و

آری! رستگار واقعی امیرمؤمنان علیه السلام است که نه تنها خود به فوز و رستگاری بزرگ و سعادت آخرت دست یافت، بلکه پیروان و شیعیان او نیز با پیروی از ایشان و تداوم همان مسیر خداخواهی و معامله با پروردگار در ساحت‌های گوناگون زندگی، به فوز و رستگاری دست خواهند یافت؛ همانگونه که «جابر بن عبدالله انصاری» می‌گوید: خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کنار خانه خدا نشسته بودیم، علی علیه السلام به سوی ما آمد. هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد، فرمود: «برادرم به سراغ شما می‌آید». سپس رو به کعبه کرد و فرمود: «وَرَبِّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ به خدای این بنا (کعبه) قسم که این [مرد] و شیعیانش در قیامت رستگارند».^{۶۴}

و حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: «همانا سعادت‌مند (به معنای) کامل و حقیقی کسی است که علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش، دوست داشته باشد».^{۶۵}



آینه غدیر

فوز حقیقی و رسیدن به بهشت رضوان الهی، تنها در سایه سار ولایت ممکن خواهد شد، همانگونه که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسَلَّكَ إِلَى الرِّضْوَانِ؛ هر کس که رستگار شده با ولایت شماسست و با شما راه رضایت الهی پیموده می‌شود.» پیامبر اعظم ﷺ نیز شرط کامیابی در آخرت را پذیرش ولایت امیرمؤمنان (ع) دانستند و فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ التَّعِيمِ؛ ای مردم! سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام دهندگان براو با لقب امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت های پربهره خواهند بود.»

گلستان خوبی ها

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا﴾ ای مردم! آن چه خدا را خشنود می‌کند بگویید. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفر ورزند، خدا را زبانی نخواهد رسانید.»
فرازی از خطبه غدیر

عطر خداخواهی

با دیدن زیبایی های گلستان، حس نشاط و آرامش به انسان منتقل می‌شود و استفاده از گرمای خورشید هم سلامت و روشنایی برای انسان به ارمغان می‌آورد. این طور نیست که با نرفتن به گلستان، گل ها دچار افسردگی گردند یا عطرشان را از دست بدهند! همانگونه که با خزیدن در کنج خانه و خود را از تابش نور خورشید محروم کردن، از گرما و روشنایی خورشید

کاسته نخواهد شد.

خداوند متعال با برنامه‌ها، ارشادها، هدایت‌ها و تبیین بایدها و نبایدها در قالب احکام شرعی، انسان را به گلستان سعادت و بهره‌مند شدن از خوان کرم الهی و معطر شدن به عطر معنویت فرا می‌خواند، تا آرامش، خوشی، لذت‌های پایدار و دیگر خوبی‌ها و زیبایی‌ها را به مشام جان انسان مؤمن و خداپسند و آنان با چیدن گل‌های فضائل اخلاقی، شمیم خداخواهی و تقوا را در سبک زندگی خویش استشمام نموده، سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند.

حال اگر کسی به جای گلستان زیبا و دلنشین، مسیر مقابل آن را برگزیند و به همان دلخوش باشد، تنها خود اوست که زیان می‌بیند و با انتخاب نادرست خویش، محرومیت‌ها را برای خود به ارمغان می‌آورد.

آینه غدیر

خداوند از فضل و عنایت خویش به بندگان فرصت زندگی داده و با فرستادن انبیا و رسولان، مسیر صحیح را بدان‌ها نمایانده است؛^{۶۶} حال اگر کسی ناسپاسی نماید و مسیر ناصحیح را انتخاب نماید و با سر باز زدن از فرمان الهی، خود را در گناه و معصیت غوطه‌ور سازد و از معنویات و خداخواهی فاصله بگیرد، ضرر و زیان آن تنها متوجه خود او شده، لحظه به لحظه بر اضطراب و ناآرامی، تنش‌های عصبی، درگیری‌های خانوادگی، اختلافات ناتمام، سردرگمی و حیرت، خستگی و افسردگی و دیگر بلاهای او افزوده شده، وامانده و درمانده خواهد گردید. به تعبیر قرآن کریم: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» کسی که از یاد من روی گرداند، زندگی سختی در انتظار اوست».^{۶۷}



در خطبه غدیر نیز تمام تلاش پیامبر ﷺ آن بود که مردم را به گلستان ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) وارد نماید و با نمایاندن راه صحیح، آنان را از پیمودن مسیر نادرست و فرو غلطیدن در دام شهوات و تباهی ها رهایی بخشد؛ از این رو فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ... فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً؛ ای مردم!.. اگر شما و تمامی زمینیان کفر ورزند، خدا را زبانی نخواهد رسانید».

به راستی با دوری از خورشید ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) و اولاد طاهرين ایشان (علیهم السلام)، چه کسانی متضرر شدند؟

تحفه ای مبارک!

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ)﴾ ای مردم! تقوا را، تقوا را رعایت کرده، از سختی روز قیامت بهراسید، همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: «البته زمین لرزه روز رستاخیز حادثه بزرگی است». فرازی از خطبه غدیر هنگامه خطر

عقل انسان حکم می کند که هر جا احتمال خطر و آسیب وجود دارد، دست به عصا شده و با احتیاط گام بردارد؛ همانگونه که هنگام قدم نهادن در محیطی که احتمال انفجار مین وجود داشته باشد، ترسان و لرزان حرکت خواهد نمود و خود را از آن منطقه دور می سازد. تقوایی که در آموزه های دینی بیان شده و آیات و روایات فراوانی به آن اشاره کرده اند، سنگر گرفتن در مقابل تیرهای گناه شیطان و وسوسه هایی است که از هرسو، قلب و ذهن انسان را نشانه رفته اند تا او را مجروح کرده و به تدریج از پای درآورند.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز در تبیین واژه تقوا تعبیر جالبی دارد: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ؛ بندگان خدا! بدانید تقوا دژی پولادین و نفوذناپذیر است».^{۶۸}

در جای دیگر فرموده اند: «بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم...؛ زیرا تقوا در زندگی امروز شما، سپر و نگهبان در برابر گناهان است و در فردا، راهی برای رفتن به بهشت است».^{۶۹}

تحفه‌ای مبارک

براین باور، تقوا، تحفه‌ای است آسمانی و حرزی است مبارک که نگهدارنده زمینیان از انحراف و ناهنجاری و دوری از سرشت خدایی آنان است که با ایجاد نورانیت در نهاد انسان متقی، درجه صبوری و تحمل سختی‌ها را بالا برده، حافظ و نگهدارنده او از لغزش‌ها و انحراف‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن خواهد شد.

به تعبیر شهید مطهری رحمته الله علیه: یکی از مسائل روز در دنیای ما مسئله طلاق است. بدون شک عوامل اجتماعی گوناگونی در بروز این مسئله دخالت دارد. اما به طور کلی عامل اصلی افزایش طلاق‌ها، از بین رفتن عنصر تقوا است. اگر تقوا از میان مردم کم نشده بود و مردان و زنان بی‌بندوبار نشده بودند، این قدر طلاق زیاد نمی‌شد. در زندگی قدیم نواقص و مشکلات بیشتری وجود داشت. حتما مشکلاتی که در زندگی خانوادگی امروزی است در گذشته زیادت‌ر بود، ولی در عین حال، عنصر ایمان و تقوا بسیاری از آن مشکلات را حل می‌کرد. ولی ما امروز این عنصر را از دست داده‌ایم و با اینکه وسائل زندگی بهتر است، با مشکلات بیشتری مواجه هستیم».^{۷۰}



آینه غدیر

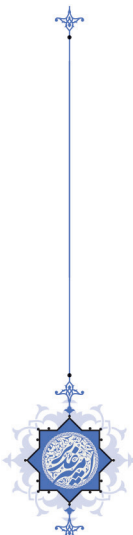
هر قدم پا پس نهادن از تقوا و بی تفاوتی نسبت به جلوه‌ای از جلوه‌های خدا ترسی و هرگونه بی‌خیالی نسبت به مصداقی از مصادیق پرهیز از گناه، منجر به لغزش پایه‌های دینداری و تسلط بیش از پیش شیطان بر انسان خواهد شد؛ به گونه‌ای که روزی فرامی‌رسد که آدمی نه تنها نسبت به انجام واجبات و دستورات دینی سرباز می‌زند، بلکه از انجام رفتار غیر اخلاقی و غیردینی نیز احساس شرم نمی‌کند و معارف دینی و احکام شرعی مانند نماز، حجاب، غیرت ناموسی، رعایت عفت کلام، کسب حلال و مانند آن را یکی پس از دیگری کنار زده، کارش به مقابله با ولّی خدا و رهبر حکومت اسلامی می‌انجامد؛ از این رو رسول خدا در خطبه غدیر با هشدار نسبت به این مسئله فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، اَیْ مَرَدَمَ! تَقْوَا رَا، تَقْوَا رَا رَعَايَتَ کُنْید». و فرمود: «ای مردم! آن چنان که شایسته ترس از خداست، از او بترسید و جز در مسلمانی نمی‌برید».^{۷۱}

خیلی مراقب باشید!

﴿قُولُوا بِأَجْمَعٍ﴾: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ... بُأَيِّعَكَ عَلَى ذَالِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَأُيْدِنَا» پس همگان بگویند: البّته که سخنان تو را شنیده پیروی می‌کنیم و از آنها خشنودیم و بر آن گردن گذاریم... با تو پیمان می‌بندیم با دل و جان و زبان و دستهایمان».

دل‌م تاریک شده، پندی ده!

شخصی نزد مردی پارسا، کیسه‌ای پر درّم به دست گرفت و گفت: ای استاد! دل‌م تاریک





شده، مرا پندی ده!

مرد پارسا گفت: اندر آن کیسه چه داری؟

گفت: درم.

گفت: چندانست؟

گفت: هزار درم.

گفت: سر کیسه باز کن!

پارسا مرد، یک درم برگرفت و گفت: «پیش تر آی!».

پیش تر آمد. پارسا آن درم بر چشم وی نهاد و گفت: چشم باز کن و بنگر!

گفت: این درم بر چشم من است، نمی بینم.

گفت: ای مرد! یک درم بر چشم سر نهادی، دنیا را نمی بینی. پس هزار درم بر دل نهادی،

چگونه چشم دل تاریک نشود، تا آخرت را ببینی! ۷۲

موانع دیدن

گاهی انسان با رفتارها و سبک زندگی که برگزیده، جلوی بصیرت و حق بینی خود را گرفته و از دیدن حقایق محروم می شود؛ دلبستگی شدید به رفاه و تجملات دنیایی، اعتیاد به شبکه های اجتماعی و فضاهای مجازی، جمع های غیر ضروری و آلوده با دوستان یا فامیل بی اعتنا به مسائل دینی، تشریفات زائد و مسرفانه، رها کردن همسر و دختر به بهانه آزادی و روشنفکر نمایی، ولنگاری در کسب و کار، نپرداختن واجبات مالی همانند خمس و... همه اینها به مثابه موانع و حائل هایی است که جلوی دیدگان انسان قرار گرفته، او را از مشاهده

زیبایی‌های معنوی و حقایق دینی محروم می‌کند و در مواقع لزوم، قدرت واکنش و دل‌کندن از این عادت‌ها را از انسان سلب می‌نماید.

ناگفته روشن است که اسلام با رفاه مادی معقول و شادی و لذت حلال نه تنها مخالف نیست، بلکه سفارش و تأکید نیز نموده است، آنچه مورد انتقاد است، اصل قرار گرفتن این امور و غفلت از اصول و باورهای است که به تدریج به حاشیه رانده شده و تبدیل به فرعی از امور زندگی می‌گردد؛ همانگونه که رسول خدا ﷺ فرمودند: «زمانی برای مردم فرا رسد که شکم‌هاشان خدایانشان است و زنانشان، قبله آنان و دینارهایشان، دینشان و شرف و افتخارشان، کالاهایشان است. از ایمان فقط نامی و از اسلام تنها نشانی و از قرآن فقط درسی باقی می‌ماند. ساختمان مساجدشان آباد و قلبهایشان از هدایت خراب و ویران است... صحابه تعجب کردند و گفتند: ای رسول خدا! آیا آنان بت‌ها را می‌پرستند؟ فرمود: آری، هر درهمی نزد آنان بتی است.»^{۷۳}

آینه غدیر

رسول خدا ﷺ با هشدار نسبت به این خطر و آفت بزرگ دینداری، از آنان خواست که با تمام وجود خویش پیمان ببندند که از ولایت امیرمؤمنان (ع) جدا نشوند و بر عهد خویش باقی بمانند؛ اگرچه آن مردم دنیاپرست و نااهل، با کمی تهدید و تطمیع، از حضرت روی‌گردان شدند و به ورطه دنیاخواهی افتادند و فهماندند که دنیا زدگی و رفاه طلبی، به دوری از ولایت، مظلومیت رهبر و فراموشی باورها خواهد انجامید.

در نقطه مقابل، ولایتمداران و محبان حقیقی، به هیچ قیمتی نعمت ولایت را معاوضه



نموده، خشنودی مولایشان را قابل فروش نمی دانند؛ همانگونه که پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَزْتَابُوا؛ بدانید که یاران و دوستان پیشوایان، کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود».

روز ملاقات

﴿وَلْتَنْتَظِرْ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ﴾ هر کس باید بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده است».

فرازی از خطبه غدیر

ثانیه های تأمل

تا به امروز چه تعداد از انسان ها زمان اقامت دنیایی شان به پایان رسیده و از دنیا کوچ کرده اند؟

دیر یا زود، نوبت ما و دیگران نیز فرا می رسد و پرونده ها مختومه شده، مُهر «باطل شد» بر آن نقش می بندد؛ با این تفاوت اساسی که همین مرحله کوتاه و چند ساله از زندگی، در نگرش خدا باوران، مرحله ای گذرا برای رسیدن به زندگی حقیقی است که در فرصت حیات دنیایی، برای آخرت خویش ذخیره نموده، تا اینکه ثمره رفتارها، گفتارها و تلاش هایشان را مشاهده نمایند.

آنچه اهمیت دارد این است که انسان به این باور برسد که زندگی او محدود به دنیا نیست و او همانند رونده و مسافری است که در نهایت باید از این مسیر، به جهان آخرت که جهان ابدی و جاوید است، منتقل شود.^{۷۴}

به همین جهت، آموزه های دینی، همیشه انسان را از این اندیشه بر حذر داشته است که



مبادا به دنیا و جاذبه‌های موقت و فناشدنی آن به گونه‌ای سرگرم شود که جهان باقی و ابدی را به کلی فراموش کند: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى؛ [ای پیامبر!] بگو متاع دنیا ناچیز است و آخرت برای کسی که تقوا ورزید، بهتر است».^{۷۵}

و می‌فرماید: «آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟»^{۷۶}
آنچه نباید فراموش گردد اینکه آبادانی خانه آخرت، در دنیا انجام می‌گیرد^{۷۷} و با اعمال و گفتار نیک، باید بذر خیر و خوبی را افشاند و در آخرت، نتیجه آن را درو کرد.

آینه غدیر

پیامبر عظیم‌الشان ﷺ در آن اجتماع عظیم، مسیر صحیح را مشخص کردند، گفتنی‌ها را گفتند و خطوط قرمز و مواضع خطر و لغزشگاه‌ها را بیان کرده، با صراحت تمام، در پیش چشم هزاران نفر از حاضران، رهبر و راهنما را معرفی نمودند، تا بدانند که در روز ملاقات و روزی که در قیامت به دیدار آن حضرت مشرف خواهند شد؛ ثمره ولایت‌پذیری و عمل به دستورهای الهی را خواهند چشید. آن حضرت خطاب به امیرمؤمنان ﷺ می‌فرمود: «وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي؛ و شیعیان تو بر منبرهایی از نور هستند؛ در حالی که چهره‌های شان سفید (و نورانی) است، در بهشت گرد من هستند».^{۷۸}

هنوز فرصت باقی است!

﴿وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتُوبَةٍ وَإِقْلَاعٍ﴾ و از زیارتگاه‌ها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید».

فرازی از خطبه غدیر

روزنه امید

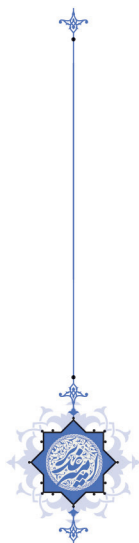
باید اذعان نمود که امروزه با توجه به رواج مظاهر فساد و گناه در فضای مجازی و حقیقی، بستر آلودگی و ارتکاب گناه سهولت بیشتری یافته و خودکنترلی و مدیریت هواهای نفسانی، عزم و اراده‌ای خدایی و توفیق و برنامه‌ریزی دقیق تری می‌طلبد.

انسان باید مراقب باشد نلغزد، یا اگر لغزید و در دام وسوسه‌های شیطان افتاد، فوری توبه نموده و با استغفار و عزم جدی، از گناه فاصله بگیرد تا سیاهی و چرک گناه بر دلش ننشیند. روزنه امید و زیبایی مسئله آنجاست که همیشه یکی هست که خاطر خواه و منتظر اوست؛ کسی که از پدر و مادر مهربان تراست و مهرش در وصف نمی‌گنجد. از این رو، انسان هر اندازه که آلوده شده باشد، حق ناامیدی ندارد!

قرآن کریم در آیات متعدد، مردم را به توبه و بازگشت به درگاه الهی ترغیب کرده و آنان را از ناامیدی بر حذر داشته است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» ای پیامبر! به بندگان گناه‌کار من بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت و بخشایش خداوند ناامید نشوید، خداوند همه‌ی گناهان شما را می‌آمرزد». ۷۹

آینه غدیر

درس‌خزانی غدیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو نکته کلیدی و دو فرمول همیشگی ذکر نمودند: فرمول اول: توبه معاندان و منکران ولایت پذیرفتنی نیست و آنان در درکات جهنم عذاب خواهند شد، آنجا که فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَحَدٍ أَنْكَرَ



وَلَايَتُهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ؛ ای مردم! بدانید که علی علیه السلام از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد.

فرمول دوم: وابستگی به خاندان ولایت و واسطه قرار دادن آنان به درگاه الهی با حضور در مشاهد شریفه و زیارتگاه‌های منسوب به آنان، عامل مهمی در پذیرش توبه و پاکی انسان از گناهان است؛ همانگونه که فرمود: «وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتُوبَةٍ وَإِقْلَاعٍ؛ و از زیارتگاه‌ها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید».

عقب نشینی ممنوع

﴿وَأَقُولُ اللَّهُ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا﴾ تقوای الهی پیشه کنید و از مخالفت با علی بپرهیزید. مبدا که گام‌هایتان پس از استواری بلغزد.

فرای از خطبه غدیر

درجه محبت و بندگی

همه انسان‌ها خواستار پیشرفت و موفقیت روزافزون در ابعاد مختلف زندگی بوده و از بازگشت به عقب و قهقهه‌را رفتن، ناراحت و نگران می‌شوند و خیلی زود به فکر چاره افتاده، درصدد جبران این عقب‌ماندگی بر می‌آیند.

عقب‌گرد از مسائل معنوی و تنزل رتبه‌های دینداری نیز، نقطه ضعفی مهم در زندگی انسان مؤمن به شمار می‌آید.

انسان دیندار باید همواره در حالات خود کنکاش نموده و با مراجعه به قلب، میزان تغییرات احتمالی را بسنجد تا دریابد که سبک زندگی و روش عبادی و معنوی او، بر میزان خداواری و حس و حال عبادی و معنوی او افزوده یا بالعکس، تیرگی و بی‌تفاوتی نسبت به معنویات و

نمادهای دینی در او پدیدار شده است؟

آیا محبت خدا و خشیت و خوف از پروردگار در دل او افزایش یافته یا نه؟ آیا باور به احکام الهی و پایبندی به بایدها و نبایدهای خداوند، بیشتر شده یا اینکه سهل انگاری و سبک شمردن احکام و مقررات را در پی داشته است؟

با طرح پرسش‌هایی این‌چنینی، به آسانی می‌توان سبک زندگی خود را به نقد کشاند و از درجه و رتبه معنویت و دینداری خویش آگاه شد و به همان اندازه، از درجه ارزشمندی و منزلت خویش نزد خداوند مطلع گردید؛ همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس از شما که می‌خواهد جایگاه و منزلت خود را در نزد خداوند بداند، پس باید ببیند که جایگاه و منزلت خداوند در آن هنگام که به گناهی می‌رسد چگونه است. جایگاه او نزد خداوند تبارک و تعالی، به همان مقدار است که جایگاه خداوند در نزد او است.^{۸۰}

آینه غدیر

پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرمود: مراقب شیطان و حيله‌های او باشید؛ زیرا او گام به گام و مرحله به مرحله شما را به دام می‌اندازد و از خدا و باورهای دینی دور می‌سازد.

ای بندگان خدا! لغزش‌های کوچک را ناچیز نشمرید و هیچ گناهی را کم ارزش ندانید؛ چه بسا همین لغزش‌ها و گناهان به ظاهر کوچک و ناچیز در نظر شما، گام‌های دوری از خدا و نزدیکی به شیطان را برایتان رقم بزند، تا جایی که حس حضور خدا در زندگی شما کم‌رنگ و بی‌اثر شده، فرامین الهی را یکی پس از دیگری کنار گذارده، همانند سربازی مطیع، به مقابله با ولئی و رهبر منصوب از جانب خداوند خواهید شتافت.



یکی مثل ما

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ﴾ ای مردم! پیش از شما، بسیاری از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد و همو، نابودکننده آیندگان است.»

فرازی از خطبه غدیر

آینه عبرت

یکی از شگفتی‌های زندگی انسان این است که با آنکه بارها عواقب تلخ و پیامدهای خطرناک رفتارهای نادرست و ناهنجاری‌ها را به چشم خود دیده، خوانده یا شنیده است، اما با فاصله‌ای اندک، آن را فراموش کرده، خود نیز همان شیوه غلط را برمی‌گزیند.

مشاهده تصادفی هولناک تا دقایقی باعث رانندگی محتاطانه او خواهد شد، ولی دیرزمانی نمی‌پاید که برخی دوباره، روشی نامعقول و خلاف قانون در پیش می‌گیرند؛ گویا او تافته جدا بافته بوده و خطر و حادثه فقط برای دیگران نوشته شده است؛ یا مثل برخی بانوان و دختران که با بی‌اعتنایی به حجاب و پوشش، یا اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و دوستی‌های مجازی، در دام شیادان و فریبکاران، آبرو و حیثیت‌شان به خطر افتاده و زندگی خانوادگی و آینده‌شان دستخوش تغییر گردیده است.

قرآن و روایات به ما آموخته‌اند که زندگی پیشینیان همچون آینه‌ای در برابر انسان است که با نیک نگریستن در آن می‌توان به علل ناکامی و بدبختی آنان پی برد و درس عبرتی برای آینده خویش برگرفت و خود را از عقوبت الهی و پیامدهای دنیایی مصون داشت. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «فَاغْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان

بصیرت».^{۸۱} و پیرامون بیان داستان‌های انبیا و امتشان می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ در بیان قصّه‌ها و داستان‌های پیامبران و ائمّه‌هایشان، عبرتی است برای اندیشمندان و صاحبان خرد».^{۸۲}

حضرت علی (علیه السلام) نیز در نهج البلاغه می‌فرماید: «بدانید ای بندگان خدا، شما در حال پیمودن همان راهی هستید که گذشتگان و انسان‌های قبل از شما رفته‌اند؛ آنان از شما عمرشان درازتر و خانمانشان آبادتر و آثارشان بهتر بود، کردند و گذاشتند و رفتند، آوازشان خاموش شد، یادهاشان فرو نشست، تنهاشان پوشید، خانه‌هایشان خالی ماند و آثارشان محو گردید. کاخ‌های محکم بنیان برافراشته، و بالش و بسترها را با سنگ‌های به هم پیوسته و قبرهای فرورفته و سنگ لحد، معاوضه کردند، قبرهایی که در فضای ویرانی بنا شده و با خاک انباشته شده است».^{۸۳}

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «از کیفرهایی که بر اثر سوء افعال و اعمال ناپسند بر امت‌های پیشین وارد شد برحذر باشید، حالات آنها را در خوبی و بدی به یاد آورید و بترسید از اینکه شما مانند آنان باشید».^{۸۴} به گفته سعدی:

رستم و رویینه‌تن اسفندیار
کز بسی خلق است دنیا یادگار
هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار^{۸۵}

اینکه در شهنامه‌ها آورده‌اند
تا بدانند این خداوندان ملک
این همه رفتند و مای شوخ چشم



آینه غدیر

پیامبر اعظم ﷺ در خطابه غدیر خودشان خطاب به حاضران فرمودند: بر مبنای سنت الهی، مجرمین و گنه کاران در هر زمان و مکانی که باشند، مورد عقوبت قرار خواهند گرفت، همانگونه که مجرمان از امت های پیشین نیز به چنین عذاب هایی گرفتار آمدند.

نکته قابل دقت اینکه، این سخنان حضرت مبنی بر مجرم بودن و گرفتار شدن به عذاب الهی، پس از هشدار درباره انحراف از خط ولایت، غصب حکومت و تبدیل حکومت به پادشاهی ذکر شده است و این مسئله را محک آزمایی برای مسلمانان شمردند که آیا با این گناه و جرم، همکاری و همراهی خواهند داشت یا اینکه به وظیفه خویش عمل خواهند نمود و از جانشین حقیقی اطاعت خواهند کرد. حضرت فرمود: «خداوند در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را هلاک نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختیم؟ ما بدکاران و مجرمان عالم را همین گونه هلاک می سازیم. وای به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند!»^{۸۶}

گویی به همگان هشدار می دهند که نتیجه اعراض و رویگردانی از دستورهای خداوند و دوری از ولایت، هلاکت و نابودی و استحقاق آتش اختلاف، بی عدالتی، ظلم و ستم و... در دنیا و عذاب دردناک در آخرت خواهد بود.



آزمایش سخت!

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند.

وقتی پیام رسول خدا ﷺ در مورد جانشینی امیرمؤمنان پخش گردید، فردی به نام «حارث بن نعمان فهري» به نزد آن حضرت آمده، گفت: «ای محمد! از طرف خدا به ما دستور دادی که شهادتین را بگوییم و ما را به نماز، روزه، حج و زکات دستور دادی، ما نیز پذیرفتیم. بالآخره راضی نشدی تا این که دست عموزاده‌ات را گرفتی، او را بر همه برتری دادی، به عنوان رهبر و جانشین خودت بر ما قرار دادی و گفتی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». آیا این کار از طرف خودت بود یا از طرف پروردگار؟»

پیامبر ﷺ فرمود: «قسم به آن خدایی که جز او خدایی نیست، این امر از طرف پروردگار می‌باشد.» حارث که با شنیدن این سخن از پیامبر ﷺ سخت عصبانی شده بود، در حالی که به طرف شتر خود می‌رفت، گفت: خدایا! اگر آن که محمد می‌گوید، حقیقت دارد، سنگی از آسمان بر سر ما بفرست، یا ما را به عذابی دردناک مبتلا کن.

او هنوز به شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان، بر سرش فرود آمد و در دم کشته شد. در این هنگام این آیه نازل شد: «سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَئِن سَأَلَ لَّهُ دَافِعٌ»؛ درخواست کننده (از ما) تقاضای عذاب کرد که انجام می‌گیرد (این عذاب) برای کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند.^{۸۸}



امتحان‌های الهی

یکی از سنت‌های قطعی الهی، سنت ابتلا و آزمایش است که همه مردم از انبیا گرفته تا دیگران، مورد آزمایش‌های مختلفی مانند: ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و... قرار می‌گیرند^{۹۹} تا عیار ادعاها و اداها نمایان گردد. بدیهی است هر کس بتواند از این آزمایش‌های الهی سربلند خارج شود، به سعادت نائل گردیده و امتیاز قبولی در این امتحان الهی را به دست می‌آورد.

آینه غدیر

در بستر آزمایش‌ها و ابتلائات است که درستی و صدق ادعاهای دین‌داری، ولایت‌مداری و خداخواهی افراد معلوم می‌گردد.^{۱۰۰} اکنون در زمان غیبت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم همواره در حال ابتلاء و آزمایش هستند که آیا از جانشین آن حضرت و رهبر حکومت اسلامی اطاعت می‌نمایند یا خیر؟ آیا در سختی‌های حکومت و تهدیدها و تحریم‌ها، همچنان بر عهد و میثاق خویش پایبند می‌مانند یا نه؟

آیا حیل‌های دشمنان، آنان را از پیمودن راه دلسرد و مردد می‌نماید یا خیر؟ آیا از امتحان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... پیروزمندانه خارج می‌شوند، یا اینکه آنچه خود پسندیدند را به کار می‌گیرند و آنچه را به مذاقشان خوش نیامد، با توجیه و تفسیر به رأی، کنار می‌نهند؟!

دانسته یا نادانسته، اینها آزمایش‌هایی است که سر راه بندگی خدای متعال و ادعای ولایت‌مداری و پیروی از ولایت معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته، یا خواهد گرفت.



به فرموده رهبر معظم انقلاب (حفظه الله): قضایای تاریخی از این قبیل، قضایای یک برهه خاص از تاریخ نیست.

رگ‌رگ است این آب شیرین و آب شور
بر خلایق می‌رود تا نفخ صور

جریان کفر، جریان ایمان، جریان نفاق و انسان‌هایی که در قرآن به «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» تعبیر شده است، جریان‌های ویژه‌ای نیستند که در صدر اسلام به وجود آمده باشند، قبل از آن نباشند و بعد از آن هم نباشد؛ این جور نیست، همه زمان‌ها، از جمله در زمان ما هستند.^{۹۱} پیش خودتان حساب کنید و ببینید کجایید؟ این که می‌گوییم سر رشته مطلب، سپرده به دست ذهن؛ یعنی تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی شرح حال ما، در صحنه‌ای دیگر. تاریخ یعنی من و شما؛ یعنی همین‌هایی که امروز این جا هستیم. پس اگر ما شرح تاریخ را می‌گوییم، هر کداممان باید نگاه کنیم و ببینیم در کدام قسمتِ داستان قرار گرفته‌ایم. بعد ببینیم کسی که مثل ما در این قسمت قرار گرفته بود، آن روز چگونه عمل کرد که ضربه خورد؟ مواظب باشیم آن طور عمل نکنیم.^{۹۲}

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى



پی‌نوشت‌ها

۱. دین الله الَّذِي نَزَلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.
۲. تفسیر فرات، فرات کوفی، ص ۵۱، ح ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۸، ح ۷۱.
۳. گلچینی از متون ادبی مختلف پیرامون غدیر، با اندکی دخل و تصرف.
۴. سوره مائده، آیه ۵؛ «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم».
۵. سوره مائده، آیه ۳: «امروز کفار از [شکست] دین شما ناامید شدند، از آنها نترسید، از من بترسید (از اینکه مخالفت کنید)».
۶. سوره بینه، آیه ۷: «به راستی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنها بهترین مردمند».
۷. سوره رعد، آیه ۷: «تو ترساننده (و بشارت دهنده) هستی؛ ولی برای هر گروهی هدایت کننده (و امامی) هست».
۸. سوره انسان، آیه ۹: «ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما انتظار هیچ پاداش و تشکری را نداریم».
۹. سوره توبه، آیه ۱۱: «خداوند از مؤمنین جان و مالشان را در مقابل بهشت می‌خرد».
۱۰. سوره معارج، آیه ۱: «درخواست کننده (از ما) تقاضای عذاب کرد که انجام می‌گیرد (این عذاب) برای کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند».
۱۱. سوره آل عمران، آیه ۶۱: «هر گاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده (باز) کسانی درباره مسیح یا توبه ستیز برخیزند، بگو: بیایید ما فرزندان را و شما نیز فرزندان خود را دعوت کنیم، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خویش را؛ ما از نفوس خود (و کسی که همچون جان ما است) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود، آنگاه مباحله





- کنیم...» .
۱۲. سوره رعد، آیه ۴۳ .
۱۳. سوره صافات، آیه ۲۴ .
۱۴. سوره احزاب، آیه ۲۳ .
۱۵. سوره نباء، آیات ۱ و ۲ .
۱۶. سوره زلزال، آیات ۱ و ۲ .
۱۷. امیرالمؤمنین از منزل بیرون آمد و لب‌ها را حرکت داد و دست مبارکش را بر زمین قرار داد و فرمود: «مَا لَكَ؟ اَسْكُنِي فَسَكْتِ يَا ذَنْ اَللّٰهُ؛ تو را چه شده است؟ ساکت باش! پس به اذن الهی ساکت شد.» تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۳۵۸ .
۱۸. نک: امام علی علیه السلام در آینه قرآن، سید جواد حسینی، ماهنامه مبلغان، ش ۱۸۰؛ الغدير، علامه امینی، ج ۲، ص ۵۵۵، ج ۳، ص ۱۱۱۱۰۶ .
۱۹. ینابیع المودة، قندوزی، ج ۱، ص ۱۴۸ .
۲۰. تمامی روایات از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده است .
۲۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۲ .
۲۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۴۷ .
۲۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۶۸ .
۲۴. ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۲۱۷ .
۲۵. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، ابن شاذان قمی، ص ۱۷۶؛ إرشاد القلوب، دیلمی، ج ۲، ص ۲۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹ .
۲۶. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۷ .
۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۳۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۱ .

٢٨. بحار الانوار، ج ٣٩، ص ٩٨. ح ١٠.
٢٩. بحار الانوار، ج ٢٧، ص ٩٤؛ تفسير نور الثقلين، ج ٥، ص ٧٠٢؛ ميزان الحكمه، ج ١، ص ١٤١.
٣٠. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة، ابن شاذان قمي، ص ٤٢؛ بحار الانوار، ج ٢٢، ص ٣٢٠.
٣١. مائة منقبة، ص ١٧٦؛ بحار الانوار، ج ٢٦، ص ٢٢٩.
٣٢. الأمالي، شيخ صدوق، ص ٣٦١؛ ينابيع المودة، ج ١، ص ٢٤٩.
٣٣. كافي، ج ١، ص ٢٠٩.
٣٤. بحار الانوار، ج ٢٧، ص ١٩٤.
٣٥. عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٣٦؛ المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ٣، ص ١٣٥؛ کنز العمال، ج ١٣، ص ٦٢٢.
٣٦. مناقب خوارزمي، ص ٢٣٥؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ١١، ص ٦٢٠.
٣٧. ذخائر العقبی، عبدالله طبری، ص ٧١؛ المراجعات، علامه شرف الدین، ص ٩٣.
٣٨. مائة منقبة، ص ١٦٤؛ المناقب، خوارزمي حنفي، ص ٧٢، ح ١٥٠.
٣٩. كشف الغطاء، شيخ جعفر كاشف الغطاء، ج ١، ص ٨؛ بحار الانوار، ج ٣٩، ص ٢٤٨.
٤٠. ينابيع الموده، قندوزي، ج ٢، ص ٧٩.
٤١. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَبْتَاطَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ».
٤٢. سوره محمد، آیه ٣٣.
٤٣. «لَوْ لَمْ أُبْلَغْ مَا أُمِرْتُ بِهِ مِنْ وَلَآئِكَ لَحَبِطَ عَمَلِي». امالي، شيخ صدوق، ص ٤٩٥؛ تفسير نور الثقلين، عروسی حویزی، ج ١، ص ٦٥٤.





۴۴. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۰۶.
۴۵. «أَيُّهَا مُؤْمِنٌ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ».
- كافى، ج ۳، ص ۲۷۰.
۴۶. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۹۴/۳/۶.
۴۷. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ».
۴۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸.
۴۹. کشفول ممتاز، ص ۴۰۴؛ مکاتبه و اندیشه، ش ۲۵، ص ۱۷۵.
۵۰. شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبائی، صص ۴-۵.
۵۱. سوره بینه، آیه ۷.
۵۲. «هُوَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ تَأْتِي أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مَرْضِيَيْنَ وَيَأْتِي عَدُوُّكَ غَضَبَانًا مُفْتَحَمِينَ». شواهد التنزیل، حاکم حسانى، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۱۱۲۶.
۵۳. «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةً وَدِعَامَةَ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَذُرْوَةَ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَسَيِّدَ الْمَجَالِسِ مَجَالِسِ الشَّيْعَةِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرْفًا وَشَرْفَ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِمَامًا وَإِمَامَ الْأَرْضِ تُسَكِّنُهَا الشَّيْعَةُ».
- بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۸۰.
۵۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۶۰.
۵۵. گنجینه سخنوران ص ۵۰۴؛ بهلول عاقل، صفی، ص ۴۶؛ هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۲۰۹.
۵۶. سوره بقره، آیات ۲ و ۳.
۵۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵

۵۸. عیون الحکم والمواظ، ص ۲۴.

۵۹. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۰.

۶۰. سوره احزاب، آیه ۷۱.

۶۱. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». سوره توبه، آیه ۲۰.

۶۲. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْفُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۶۳. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۱.

۶۴. ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۶۵. «السَّعِيدُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ». مجمع الزوائد علامه هيثمی، ج ۹، ص ۱۳۲.

۶۶. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار است [می پذیرد] و یا کفران [می کند]». سوره انسان، آیه ۳.

۶۷. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۶۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

۶۹. همان، خطبه ۱۹۱.

۷۰. نک: مرتضی مطهری - ده گفتار - صفحه ۳۷ - ۳۴.

۷۱. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».

۷۲. مکاتبه و اندیشه، ش ۲۶، صص ۱۶۳ - ۱۶۴.

۷۳. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُطَوَّنُهُمُ اللَّهُتُهُمْ وَ نِسَاؤُهُمْ قَبْلَتُهُمْ وَ دَنَائِيرُهُمْ دِينُهُمْ وَ شَرَفُهُمْ



مَتَاعُهُمْ... مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ وَقُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى... كُلُّ دِرْهَمٍ عِنْدَهُمْ صَنَمٌ».

بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳.

۷۴. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارُ مَقَرٍّ؛ دنیا جای گذار است و نه جای قرار». نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

۷۵. سوره نساء، آیه ۷۷.

۷۶. «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ». سوره توبه، آیه ۳۸.

۷۷. به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ؛ دنیا مزرعه آخرت است». التحفه السنیه (مخطوط)، سید عبدالله جزایری، ص ۶۸.

۷۸. امالی شیخ صدوق، ص ۱۵۶. مشابه این جمله را در دعای ندبه می خوانیم: «وَشِيعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّنَّةٌ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي؛ و شیعیان تو بر منبرهایی از نور هستند؛ در حالی که چهره های شان سفید (و نورانی) است، در بهشت گرد من هستند و آنها همسایه های من می باشند».

۷۹. سوره زمر، آیه ۵۳. نیز نک: سوره نور، آیه ۳۱؛ سوره تحریم، آیه ۸.

۸۰. «مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْتَظِرْ كَيْفَ مَنَزِلَةُ اللَّهِ مِنْهُ عِنْدَ الذُّنُوبِ كَذَلِكَ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى». خصال شیخ صدوق، ص ۶۱۷.

۸۱. سوره حشر، آیه ۲. نیز نک: سوره آل عمران، آیه ۱۳.

۸۲. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۸۳. «وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى سَبِيلٍ مَنْ قَدْ مَضَى قَبْلَكُمْ مِمَّنْ كَانَ أَطْوَلَ مِنْكُمْ أَعْمَاراً وَأَعَمَرَ دِيَاراً وَأَبْعَدَ آثَاراً أَصْبَحَتْ أَصْوَاتُهُمْ هَامِدَةً...». نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶.





بنیاد فکری حضرت موسیٰ (ع)
استان خراسان شمالی

آخرین مهلت شرکت در مسابقه 6 تیر ماه 1404

شرکت کنندگان فقط عدد پاسخ صحیح سوالات را در قالب یک عدد 9 رقمی از چپ به راست بصورت لاتین بدون هیچ کلمه اضافه به سامانه پیامکی 10000012 ارسال نمایند

سوال اول : کسی که قرآن را طبق رای خود تفسیر کند جایگاه او در آتش خواهد بود. این سخن را چه کسی از قول رسول خدا ص نقل کرده است؟

- (1) حضرت علی ع
- (2) ابن عباس
- (3) زرارہ
- (4) امام صادق ع

سوال دوم : به نظر مفسران چند آیه در شان حضرت علی ع نازل شده است ؟

- (1) سیصد آیه
- (2) دویست و دو آیه
- (3) سیصد و سیزده آیه
- (4) ده آیه

سوال سوم : سر لوحه و تیترا نامه اعمال مومن در قیامت می باشد؟

- (1) قبول قدیر
- (2) انجام واجبات و ترک محرمات
- (3) منتظر امام زمان بودن
- (4) محبت امیر المومنین ع



بنیاد فکری حضرت مهدی موعود
استان خراسان شمالی

سوال چهارم : علی جان مثل تو در میان مردم مثل سوره است که اگر یک بار بخواند یک سوم قرآن و اگر دو مرتبه بخواند دو سوم قرآن را و اگر سه مرتبه بخواند این سوره را انگار کل قرآن را خوانده است.

- (1) سوره قدر
- (2) سوره جمعه
- (3) سوره واقعه
- (4) سوره توحید

سوال پنجم : رسول اکرم ص در خطبه غدیر یکی از نشانه های دوستان و همراهان امام علی ع را بیان می کند.

- (1) باور به غیب
- (2) متدین بودن
- (3) اهل خمس باشد
- (4) رفیق و همراه خوب

سوال ششم: بدانید که تلخ و شیرین دنیا همه اش خواب و خیال است . این روایت از چه کسی است؟

- (1) رسول خدا ص
- (2) امام علی ع
- (3) حضرت زهرا س
- (4) امام حسن ع